

دکتر عادل پیغامی، دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)  
و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی

# ضرورت عقل معاشی

● هوشنگ غلامی

کلیدواژه‌ها: عقل معاش، اقتصاد، برنامه درسی، تجارت، تربیت اقتصادی



امروز ذهن بچه‌های ما ذهن رقمی (دیجیتال) و فراگیر است و در این دنیا که همه یک گام جلوتر از جامعه خود را می‌بینند، معلمان باید کانون آماده‌کردن بچه‌ها برای آینده باشند. متولیان تعلیم و تربیت باید معاش را جدی بگیرند. عقل را دارای ده جزو می‌دانند که نه جزو آن در تجارت حاصل می‌شود، در حالی که آموزش‌های ما بریده از زندگی هستند. در حال حاضر ما در جامعه خود سرمایه‌های راکد هنگفتی داریم.

مطالب فوق بخش‌هایی از سخنان دکتر عادل پیغامی، استاد دانشگاه و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگو با خبرنگار ماست. بخش اول مصاحبه با این مؤلف کتاب درسی اقتصاد را با هم پی بگیریم.

## ○ داشتن عقل معاش یکی از مهارت‌های مورد نیاز جامعه است. مدیران برای رسیدن به این مهارت چه برنامه‌هایی را می‌توانند در مدرسه اجرا کنند؟

معمولاً برنامه درسی عهده‌دار زندگی مردم است؛ به‌خصوص بخش عمومی زندگی مردم. عهده‌دار مسائل مبتلابه زندگی روزمره مردم است. مسائل مبتلابه زندگی مردم از منطقی ثابت متغیر برخوردار است. برخی از نیازها ثابت هستند و در طول زمان و مکان تغییر نمی‌کنند؛ اینکه مردم باید مفهوم صرفه‌جویی و کارایی را بفهمند، مفهوم اثربخشی و تذبذب را بفهمند، شاکر باشند و اخلاق مصرفی‌شان درست باشد، این‌ها مواردی هستند که در طول زمان و مکان تغییر نمی‌کنند و ثابت‌های زندگی و عین منطق هستند. اما بعضی چیزها متغیرند، چون سبک زندگی انسان پویایی دارد. طبیعی است برنامه درسی هم باید این پویایی را داشته باشد. موضوعات اقتصادی هم همین‌طورند.

مسائل اقتصادی ثوابتی دارد و پویایی‌هایی. وقتی از عقل معاش صحبت می‌کنیم، کلمه معاش آن برمی‌گردد به معیشت زندگی روزمره و حیات ما. صحبت از عقل هم که می‌کنیم، معمولاً به عقل نظری و عملی توجه می‌کنیم. یعنی چستی‌ها و چگونگی‌ها و چگونه رسیدن به مطلوب‌ها. عقل به ما قدرت شناسایی واقعیت موجود و قدرت ساختن واقعیت مطلوب را می‌دهد. پس عقل معاش می‌گوید زندگی موجودمان در عرصه اقتصادی چیست و چگونه می‌توانیم به زندگی مطلوب اقتصادی برسیم.

این چستی و چگونگی یک ثابت‌هایی دارد و یک متغیرهایی. ما معمولاً در برنامه درسی‌مان، هم در بخش اینکه برنامه درسی پوشش کاملی از مقوله‌های ثابت بدهد ضعف داریم و هم پویایی زندگی‌های روزمره را در برنامه درسی نمی‌بینیم. زندگی امروز ما با زندگی ۲۰ سال پیش یا چهل سال پیش ما خیلی فرق می‌کند. امروز مردم ما مثل دنیای ۴۰ سال پیش و ۲۰ سال پیش نیستند. در دنیای ۴۰ سال پیش انسان‌ها تقریباً در زندگی روزمره تعاملی نداشتند. یعنی من، پدر و مادرم، چهل سال قبل، صبح که

## عقل ده جزو دارد که نه جزو آن در تجارت حاصل می‌شود

از خواب بیدار می‌شدیم، تا شب مرادۀ بین‌المللی نداشتیم، ولی امروز همین که شما بیدار می‌شوید و تلفن همراه خود را روشن می‌کنید، مرادده‌های بین‌المللی دارید. بخشی از شبکه‌های اجتماعی مرادده‌های بین‌المللی هستند. «رایانامه» (ایمیل) که می‌فرستید، از آن طرف جهان پیام دریافت می‌کنید. وارد متاورس و دنیای فرامیلتی‌ها که می‌شویم، مرادده است. آیا برنامه درسی ما سواد تعاملات بین‌المللی را ارائه می‌کند؟ همین‌طور است در مسائل اقتصادی. ما از خواب که بیدار می‌شدیم، با یک پول مواجه می‌شدیم به نام پول ملی. ولی الان طرف از خواب که بیدار می‌شود، با گوشی تلفنش و آرسی می‌کند ارزش بیت‌کوین چقدر شده است؟ یعنی دقیقاً ما از دنیایی که فقط پول ملی را می‌شناسد وارد دنیایی شده‌ایم که با پول‌های بین‌المللی و رمزنگارهای فرامیلتی و فرامرزی زندگی می‌کنیم.

## ○ آیا برنامه درسی پویایی لازم را دارد؟

من یاد می‌آید، پنج‌شش سال پیش، وقتی کتاب درسی اقتصاد را می‌نوشتیم، اولین بار کلمه بیت‌کوین را مطرح کردم تا دانش‌آموزان بشنوند. به‌زعم خودمان این کلمه هنوز عمومی نشده بود. قصدمان این بود که دانش‌آموزان زودتر متوجه شوند و معلمان زودتر به آن بپردازند. خیلی‌ها معترض بودند بیت‌کوین یعنی چه؟ شما چرا این مفهوم را وارد کتاب درسی کرده‌اید؟ در حالی که به زعم من، کتاب درسی باید یک گام جلوتر نیازهای افراد را پیش‌بینی کند. آموزشی که ما به بچه‌های امروز می‌دهیم برای مصرف امروز و فردا نیست. ما امروز بچه‌ها را آموزش می‌دهیم برای زندگی ده‌پانزده سال بعد. اگر کتاب درسی محتوای پیش‌دستانه و پیش‌بینی‌های لازم و آینده‌شناسی لازم را نداشته باشد، قطعاً بچه‌ها را برای زندگی آینده آماده نمی‌کند. کتاب درسی ما الان باید ببیند شبکه‌های اجتماعی دنیای آینده چیستند تا بچه‌ها را برای آن‌ها دنیا آماده کند. عقل معاش من ۵۰ سال ۴۰ سال یا ۳۰ سال پیش این بود که دم در مغازه پدرم چگونه بایستم. در

فلان واحد اداری چگونه کارمند شوم یا کسب و کارهای سنتی راه اندازی کنم. ولی عقل معاش بچه‌های ما در دنیای آینده این‌ها نیست. یکی از اتاق‌های فکر اندیشکده‌های حوزهٔ تعلیم و تربیت خارجی گزارش داده بود که ۶۰ درصد بچه‌های اول ابتدایی در آینده در مشاغل کار خواهند کرد که هنوز خلق نشده‌اند و ما آن‌ها را نمی‌شناسیم. این موضوع چقدر حساسیت عقل معاش را در برنامهٔ درسی بالا می‌برد!

برنامهٔ درسی، به شکل سنتی رایج، محکوم به انقراض است. همین الان بالغ بر ۶۰ تا ۷۰ درصد محتوای کتاب‌های

درسی ما منقرض شده‌اند. بچه‌ها از این

کتاب‌های درسی و از این نظام تعلیم و تربیت برای همین زندگی پشت دیوار مدرسهٔ خود نیز استفاده نمی‌کنند. یعنی کتاب‌های درسی برای آن‌ها نوشته نشده‌اند. بچه‌ها از مدرسه که بیرون می‌آیند، سواد رسانهٔ حضور در کلاب هاوس را لازم دارند. در متاورس می‌خواهند ورود پیدا کنند، کتاب درسی چه کمکی به آن‌ها می‌کند؟ این‌ها برای مواجهه با این فضای جدید چه آموزشی دیده‌اند؟ با انواع شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی که در فضای عمومی مطرح هستند و بیش از ۴۶ شبکهٔ ماهواره‌ای و هزاران پیج و کانال فضای مجازی که دارند به او مطلب منتقل می‌کنند، از کتاب درسی چه بهره‌ای می‌گیرند؟ تقریباً هیچ. پس باید قبول کنیم، تعلیم و تربیت ما الان منقرض شده است.

چهار یا پنج سال پیش در مصاحبه‌ای که با شما داشتم، دربارهٔ لزوم آموزش و پرورش اقتصادی سخن گفتم که سند تحول بنیادین هم بر آن تأکید کرده است. یعنی سند تحول فهمیده است که چه چیزی لازم داریم. ما مسلمان هستیم. قرآن داریم. سیرهٔ اهل بیت هم بر این موضوع تأکید می‌کند. وقتی حضرت محمد(ص) می‌فرماید اگر عقل ده جزء باشد، نه جزء آن در تجارت حاصل می‌شود، من سؤال می‌کنم که مگر قرار نیست نظام تعلیم و تربیت بچه‌های ما را عاقل بار بیاورد؟ پیامبر فرمودند ۹۰ درصد این نظام در تجارت است. پس این ۹۰ درصد در برنامهٔ درسی کجاست؟ امامان معصوم (علیهم‌السلام) احادیثی فرموده‌اند<sup>۱</sup> و در آن گفته‌اند «ایمان شخص و کمال شخص به سه چیز است. یکی از این سه چیز تقدیر معیشت است که اندازه‌نگه داشتن و اندازه‌گیری در حوزهٔ معیشت است.»

## نظام‌های پیشرفته تغییر و تربیت را موجودی خشک، مرده و جدا از زندگی روزمره تعریف نمی‌کنند

● در برنامهٔ درسی ما این خواستهٔ امامان معصوم (علیهم‌السلام) وجود دارد؟ برنامهٔ درسی ما به کجا دارد سیر می‌کند و در چه دنیایی قرار دارد؟ چه تصویری از جریان‌های حال و شرایط آینده دارد؟

به معضلات اقتصادی خود می‌رسیم. مثلاً می‌گوییم بالغ بر ۱۸ میلیارد دلار ارز در خانه‌های مردم نگهداری می‌شود. صدها میلیارد دلار و طلا در کشور فریز شده است. در کشورهای پیشرفته این‌طور نیست. ممکن است طلا داشته باشند، ذخیره‌هایی در بانک مرکزی خود داشته باشند، ولی به این شکل ذخیره‌های طلای فریز شده در خانه‌های خود ندارند. سنت تاریخی زینت را برای زنان در طلا دیده است. آن موقع چون بازارهای مالی، بازارهای سرمایه و بیمه به این شکل بودند، برای مصرف احتیاطی در روز مبادا، خانم‌ها انگوی طلا به دستشان می‌انداختند و می‌گفتند این هم زینت است و هم سر بزنگاه پس اندازی است که از آن استفاده می‌کنم. ولی الان دنیا عوض شده و ابزارهای خیلی نوینی پیدا شده‌اند. این انگو به جای اینکه به سرمایه‌های جامد تبدیل شود، می‌تواند تبدیل شود به سرمایهٔ روان، یا از یک سرمایهٔ خشتی به گلی. سرمایه باید گلی باشد. گل روان است و به شکل‌های متنوع در می‌آید، ولی خشت سفت و ثابت است. ما در جامعهٔ خود سرمایه‌های راكد داریم. برنامهٔ درسی را ورق بزنیم، ببینیم نسبت به این فرهنگ سرمایه‌گذاری مردم چه رویکردی اتخاذ کرده است؟ به نظر می‌رسد ما هم از آن فعالیت انسانی که در دنیا مطرح است و هم از توصیه‌های دینی و شرعی خود عقب افتاده‌ایم.

● با توجه به ساحت تربیت اقتصادی سند تحول بنیادین، چگونه می‌توانیم این ساحت را به شکل غیرمستقیم و برنامه‌ای در مدرسه آموزش بدهیم؟

اصل تعلیم و تربیت در پویایی و واقعیت انسان اتفاق می‌افتد. نظام‌های تعلیم و تربیت پیشرفته اساساً تربیت را موجودی خشک، مرده و جدا از زندگی روزمره تعریف نمی‌کنند. تأکید ما این است که اقتصاد بخشی از زندگی است. آموزش آن هم باید حین زندگی اتفاق بیفتد. به این دلیل، بیش از آنکه ما به کتاب درسی جداگانه و وقت جداگانه نیاز داشته باشیم، به فوق برنامه‌های تعلیم و تربیت نیاز داریم.

ریاضیات جان‌دار می‌شود. ما ریاضیات را به صورت مرده به بچه‌ها آموزش می‌دهیم. گنج کارها بعضی از گل‌ها را که درست می‌کنند، می‌گویند مرده است و گنج مرده دیگر به درد نمی‌خورد. درس هم باید همین‌طور باشد. درس را باید زنده آموزش داد. باید تلفیقی باشد (ادامه دارد).

به برنامه‌های درسی تلفیقی نیاز داریم. من به عنوان کسی که بیش از ۲۱ سال است در تعلیم و تربیت کار می‌کنم و کتاب اقتصادی برای دانش‌آموزان و بزرگسالان نوشته‌ام، می‌گویم بالغ بر ۷۰ درصد از آنچه ما در حوزه اقتصادی باید به بچه‌ها یاد بدهیم و بیش از ۷۰ درصد آنچه در سنده تحول بنیادین برنامه درسی برای اقتصاد دیده شده است، باید در ضمن کتاب‌های دیگر تعیین شود. یعنی در ضمن کتاب‌های ریاضی، زبان انگلیسی، فارسی و دینی. اتفاقاً این‌ها درس‌ها را معنادار می‌کنند. من اگر بدانم مثلاً برای مشتق یک معادله درجه دو که می‌خواهم نمودار خطی افقی به علاوه عمودی بکشم، این مثالی از بودجه من و مصرف من است و مثالی از تغییرات درآمدی پدر من است، اصلاً ریاضیات زنده می‌شود.

**ما در جامعه خود سرمایه‌های  
راکد داریم. برنامه درسی را ورق  
بزنیم و ببینم نسبت به این فرهنگ  
سرمایه‌گذاری مردم چه رویکردی اتخاذ  
کرده است. به نظر می‌رسد ما هم از آن  
فعالیت انسانی که در دنیا مطرح است  
و هم از توصیه‌های دینی و شرعی خود  
عقب افتاده‌ایم**

#### پی‌نوشت:

۱. امام رضا (علیه‌السلام): هیچ بنده به حقیقت کمال ایمان نرسند تا سه خصلتش در او باشد: بیانی در دین، اندازه‌داری در معیشت و صبر بر بلاها (تحف العقول، ترجمه جعفری، ج ۱، ص ۴۲۰).

امام محمدباقر (علیه‌السلام): کمال کامل فهم در دین است و صبر سر تاگساری و اندازه‌گیری خرج زندگانی (تحف العقول، ترجمه جعفری، ج ۱، ص ۲۷۳).

امام جعفرصادق (علیه‌السلام): انسان مسلمان، صالح نشود مگر به سه چیز: دانایی به احکام و دستورات دین، حد نگهداری در امر معیشت و یابداری در مصیبت‌ها (من لا یحضره الفقیه، ترجمه بلاغی و غفاری، ج ۴، ص ۲۲۳).

